

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۷۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۱ مه ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گپریان

خانواده های دستگیر شدگان اول مه سندج به تعیین وثیقه برای عزیزانشان اعتراض کردند

مصاحبه با محمد آسنگران در مورد اعتراضات و اوضاع سیاسی کنونی در کردستان عراق



اطلاعات جمهوری اسلامی در
سندج تجمع کردند و به ادامه
بازداشت وفا قادری، خالد حسینی،
یدالله قطبی و غالب حسینی
اعتراض کردند.
بدنبال این تجمع مامورین ستاد
خبری رژیم در میان تجمع کنندگان
صفحه ۲

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً
و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند
ساعت ده صبح روز ۱۸
اردیبهشت خانواده های کارگران
دستگیر شده اول مه به همراه تعداد
دیگری از خانواده های کارگری بنا بر
قرار قبلی در مقابل ستاد خبری اداره

پیام مادر فرزند کمانگر فرزاد همیشه زنده خواهد بود زیرا افکار انسانی زنده است



فشارم و رویشان را میبوسم.
فرزاد معلمی بود که چهارده سال
از عمرش را در راه پرورش بچه هایی
صرف کرد تا در آینده هر کدام از
آنها معلمی شوند و به مردم و به
مملکت خدمت کنند.
من بارها و بارها اینرا گفته ام
که فرزاد راهی را انتخاب کرد که به
صفحه ۴

در سالروز فرزند میلیونها فرزاد
کمانگر جمع می شوند تا به فقر و نا
برابری اعتراض کنند و از انسان و
حرمت انسانی دفاع نمایند.
میلیونها انسان این روز را گرامی
میدارند. همه این انسانها برادران،
خوهران و فرزندان من هستند. من
دست تک تک این عزیزان را در هر
جای جهان که هستند بگرمی می

می زدند. اما نه تنها به هیچ
خواسته ای جواب ندادند بلکه
نیروهای نظامی و سرکوبگر خود را
حتی از شهرهای دیگر عراق روانه
کردستان کردند. به نظر شما این
تغییر سیاست از سوی حاکمان
کردستان بر چه اساسی صورت
گرفت؟

محمد آسنگران: آنها تغییر
سیاست نداده اند، فقط تاکتیک
شان را تغییر داده اند. سیاست آنها
در ابتدای این اعتراضات و اکنون
هم جواب ندادن به مطالبات مردم
و پایان دادن به اعتراضات بود.

ایسکرا: بعد از نزدیک به ۳
ماه از حرکت اعتراضی مردم
آزادیخواه کردستان، دو حزب حاکم
(اتحادیه میهنی جلال طالبانی و
حزب دمکرات مسعود بارزانی)
شهرهای کردستان را ملیتاریزه و
تجمعات اعتراضی را ممنوع
اعلام کرده اند. این در حالی است
که تا قبل از نظامی کردن شهرها
هر یک از سران این دو حزب و
رئیس پارلمان کردستان به دادن
وعده هایی در جهت پاسخ به
خواست و مطالبات مردم حرف

کارگران نتن پارسیان باز هم دست به اعتصاب زدند کارگران شرکت پر هون طرح بعد از هفت روز اعتصاب به سر کار برگشتند

صفحه ۳

مینا احدی خواهان قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی شد
مقامات دولت برزیل: رابطه با جمهوری اسلامی به ما لطمه زده است

صفحه ۳

به جهان و مبارزین راه آزادی / پیام مادر فرزند کمانگر بمناسبت سالگرد اعدام فرزاد

صفحه ۴

خانواده های دستگیر شدگان اول مه سندج باز هم تجمع کردند و اولتیماتوم دادند

صفحه ۴

جنگ لمپنها!

صفحه ۵

۲۵ اردیبهشت روز اعتراض و اعتصاب سراسری در دانشگاهها

صفحه ۵

ادامه تجمع اعتراضی خانواده های کارگران بازداشتی در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات سندج

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مصاحبه با محمد آسنگران ...

اسلامی در اپوزیسیون که هم جنس خود بودند، کنند. قول قرارهای بی محتوی دادند. اما هیچکدام از مطالبات مردم را عملی نکردند.

بعد از مدتی که متوجه شدند این تاکتیک تفرقه اندازی و وعده و عید کارایی ندارد، نیروهای پشتیبان و متحد خود (آمریکا و جمهوری اسلامی) را متقاعد کردند که برای خفه کردن این اعتراضات به سرکوب آشکار و قدرت نظامی روی آورند. ابتدا جلال طالبانی و نجیروان بارزانی در سفر به تهران سران جمهوری اسلامی را متقاعد کردند که این اعتراضات میتواند قدرت مالکی در بغداد را با مشکل مواجه کند، زیرا احزاب ناسیونالیست کرد در مقابل نیروهای رقیب مالکی متحد او هستند. جمهوری اسلامی طبعاً مالکی را به جریانات حاشیه ای اسلامی در کردستان ترجیح داد و به احزاب ناسیونالیست کرد چراغ سبز نشان داد.

با سفر طالبانی و بارزانی به ایران در فاصله یک هفته وزیر دفاع آمریکا هم سفری به کردستان عراق داشت و طی مذاکراتی با مسعود بارزانی به توافقاتی رسیدند. بعد از این مذاکرات و توافقات احزاب حاکم کردستان عراق با جمهوری اسلامی و آمریکا، لحن بیابیه ها و خطابه های آنها از وعده و وعید به تهدید و رجزخوانی تغییر کرد. در ادامه این تهدیدها بود که چند هزار نیروی ضد شورش برای سرکوب معترضین و میلیتاریزه کردن شهرها گسیل شد.

اکنون شهرهای کردستان میلیتاریزه شده است. هر نوع تجمع اعتراضی با ضرب و شتم مواجه میشود. دستگیری و بازداشت و تهدید فعالین و سخنگویان تجمعات اعتراضی به شکل گسترده ای ادامه دارد.

اما هم حاکمان کردستان عراق و هم مردم اینرا به خوبی میدانند که این سرکوبها نمیتواند موج اعتراض مردم را پایان دهد. این اقدامات بیرحمانه و خشن فقط مسکنی برای قدرت حاکم است. ممکن است برای مدتی مردم را ساکت کنند. اما مردم اینرا میدانند که مشت آهنین احزاب حاکم فعلی در کردستان عراق

فقط کاریکاتوری از حاکمیت سیاه دوران صدام حسین را تداعی میکند و به نمایش میگذارد. مردم از این خشونتها و بیرحمیهای حاکمان تجربه زیادی اندوخته اند. اگر صدام حسین توانست با قدرت نظامی و حتی نسل کشی مردم کردستان را ساکت کند اینها هم خواهند توانست.

شکی نباید داشت که موج اعتراضات مردم باز هم شعله ور خواهد شد و حاکمان سرکوبگر نمیتوانند در مقابل اعتراضات توده ای این چنین مغرورانه به سرکوب و قلع و قمع و خون ریزی ادامه بدهند. اگر حتی برای بخش کوچکی از مردم توهمی باقی مانده بود با این حرکات اخیر دیگر کسی نباید شک داشته باشد که حاکمیت این احزاب ناسیونالیست کرد تنها تکرار کمندی حاکمیت حزب بعث و صدام حسین است.

ایسکرا: از ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ که این اعتراضات آغاز شد گویای این حقیقت بود که اپوزیسیون اسلامی و ناسیونالیستی که خود قبلاً بخشی از حاکمیت بودند، ابتدا هیچ نقشی در این اعتراضات نداشتند اما وقتی که اعتراض و مبارزه مردم ابعاد اجتماعی و توده ای وسیعی بخود گرفت، آنها نیز تلاش کردند برای سهم خواهی بیشتر از یاران دیرین خود در حکومت بر موج حرکت اعتراضی مردم سوار شوند. در همین رابطه نوشیروان مصطفی گفته است که حاکمیت می داند ما

چه می خواهیم و ما هم می دانیم آنها چه می خواهند و سخنش را اینگونه فرموله کرده است که حاکمیت تک حزبی نباید باشد و ما خواهان اصلاحات ریشه ای هستیم. اصلاحات ریشه ای مورد نظر او هم کسب سهم بیشتر برای خود است.

احزاب حاکم نیز طی این مدت کوشیدند اعتراض اجتماعی مردم را نه تنها نادیده بگیرند بلکه با خشونت تمام سرکوب کنند و اکنون مصالحه و سازش با اپوزیسیون را سر لوحه حل بحران در اوضاع سیاسی و اقتصادی کردستان قرار داده اند. شما این مصالحه و سازش از بالا را چگونه ارزیابی می کنید؟

محمد آسنگران: يك نقطه ضعف اصلی این اعتراضات وجود همین احزاب ناسیونالیست و اسلامی در اپوزیسیون بود. بویژه نقش جریانات اسلامی مخربتر از همه بود. آنها هیچ بهبودی برای مردم را در نظر ندارند. دعوای آنها با حاکمان کسب سهم بیشتر برای خود است. جریانات اسلامی با همکاری جریان "گوران" (جریان تغییر) بعد از مدتی با تحمیل نماز جمعه به مردم در میدان آزادی شهر سلیمانیه چهره حق خواهی و آزادیخواهی مردم معترض را لکه دار کردند. برای هر بیننده ای که فیلمها و کلیپهای این میدان را تعقیب کرده باشد در ابتدا جریانات اسلامی حضور پررنگی نداشتند. اما بعد از مدت چند هفته که از ادامه این تجمعات گذشت، به یکباره این میدان به منبر مساجد شبیه شد تا میدان آزادی. به جای فریادهای مردم معترض و سخنگویان رادیکال و آزادیخواه، میدان آزادی سلیمانیه به منبری برای ملاهای مرتجع تبدیل شد که بوی گند و کثافت اسلامی مشام همه را آزار میداد.

این تحول و دست بالا پیدا کردن جریانات اسلامی در این میدان بخش قابل توجهی از مردم معترض را به خانه فرستاد. آزادیخواهان و معترضین با نگرانی چهره کریه آخوندهای را مشاهده میکردند که میدان آزادی را به مسجد و محراب تبدیل کرده بودند و داستان خر دجال برای مخاطبین خود تعریف میکردند.

این تحول نقطه ضعف اصلی این اعتراضات و مانع جدی پیشروی جنبه چپ و آزادیخواهی شد. جریانات چپ متأسفانه متوجه عمق این کثافت اسلامی نشدند. حتی بعضاً چهره ای متحد با اسلامیهها از خود نشان دادند، تا حدی که یکی از فعالین چپ این اعتراضات در عکس العمل به دستگیری يك ملای مرتجع اعلام کرد که آنها همگی خود را متحد و در کنار این آخوند میدانند.

ایسکرا: با توجه به نکاتی که اشاره کردید و با توجه به میلیتاریزه کردن کردستان توسط دو حزب

خانواده های دستگیر شدگان اول مه ...

از صفحه ۱

اعلام کردند که برای پیگیری وضعیت کارگران بازداشتی باید به شعبه چهار بازپرسی دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی مراجعه کنند. خانواده ها به شعبه مذکور مراجعه کردند و در آنجا به آنها اعلام شد که در قبال آزادی غالب حسینی، وفا قادری و خالد حسینی مبلغ پنجاه میلیون و برای یدالله قطبی مبلغ سی میلیون تومان وثیقه تعیین شده است. خانواده های کارگران بازداشتی اعلام کردند که توان تامین این وثیقه ها را ندارند و در صورت عدم آزادی بی قید و شرط آنان از زندان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

تعیین وثیقه برای دستگیر شدگان اول مه به معنی مجرم شمردن و بازنگهداشتن پرونده قضایی آنان، تداوم فشار به کارگران و فشار مالی سنگین به خانواده های آنان است. جرم دستگیر شدگان اول مه تلاش برای برپایی مراسم روز جهانی زندان آزاد اول مه روز جهانی کارگر کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۸ اردیبهشت ۸۰، ۱۳۹۰ مه ۲۰۱۱

Shahla daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com

حاکم، مردم در این دور جدید از حرکت اعتراضی خود چگونه می توانند برای دستیابی به خواست و مطالباتشان حرکت کنند؟ چه اشکالی از اعتراض و مبارزه در چنین فضایی از پادگانیزه کردن شهرها می تواند این موانع و سدها را بشکند؟

محمد آسنگران: اولین و مهمترین تجربه اعتراضات اخیر بویژه در میدان آزادی سلیمانیه نشان داد که مردم مطالبات برحق دارند و این مطالبات با سرکوب مردم و میلیتاریزه کردن شهرها تمام نمیشود. اما بحث اصلی به نظر من این است که سرکوب و به خانه فرستادن مردم فقط نتیجه نظامیگری و میلیتاریزه کردن

مینا احدی خواهان قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی شد مقامات دولت برزیل: رابطه با جمهوری اسلامی به ما لطمه زده است



خبرنگار حزب از برزیل میگوید که استقبال گرم از مینا احدی همچنان ادامه دارد و سخنرانی ها و ملاقات های مینا احدی با مقامات دولت این کشور در بیش از چهار رسانه پوشش داده میشود.

مینا احدی در ادامه سفر خود به برزیل روز پنجشنبه سه ملاقات با وزرا و مقامات دولت این کشور داشت. وی در این ملاقاتها ضمن برشمردن جنایات جمهوری اسلامی از دولت برزیل خواست سفارت جمهوری اسلامی را ببندد و روابط دیپلماتیک خود را با این حکومت قطع کند.

اولین ملاقات مینا در روز پنجشنبه با خانم ماریا د روساریو وزیر حقوق بشر دولت برزیل بود. خانم روساریو گفت فعالیت های کمیته بین المللی علیه سنگسار و

توضیحات مینا احدی در مورد جنایات جمهوری اسلامی، نقض حقوق بشر، اعدام و سنگسار را شدیداً محکوم کرد و گفت این کمیسیون بزودی قطعنامه ای علیه اعدام و سنگسار و نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را تصویب میکند.

ملاقات بعدی با آقای مارکو آریلو گارسیا از مسئولین بلندپایه وزارت امور خارج برزیل بود. روزنامه های برزیلی از قبل اعلام کرده بودند که قرار است مینا احدی با آقای آریلو گارسیا ملاقات کند و حدود چهار خبرنگار از رسانه های مختلف این کشور در محل حضور داشتند. این ملاقات یک ساعت و نیم به طول انجامید. مینا احدی در این ملاقات رابطه نزدیک دولت برزیل با جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار داد و آقای آریلو گارسیا گفت رابطه ما با جمهوری اسلامی در حال تغییر است، این روابط به ما لطمه زده و نفس ملاقات های مقامات دولت برزیل با شما نشانه این تغییر است.

بدنبال این ملاقات کنفرانس مطبوعاتی برگزار شد و مینا

فعالیت برای نجات سکینه را از نزدیک دنبال کرده و برای این فعالیت ها احترام زیادی قائل است. مینا احدی به روابط نزدیک تاکنونی دولت برزیل با جمهوری اسلامی انتقاد کرد و به گسترش اعدام ها و اعدام در ملاء عام اشاره کرد و بر ضرورت فاصله گرفتن دولت برزیل از جمهوری اسلامی تاکید کرد. خانم روساریو در پاسخ گفت که روابط ما دارد تغییر میکند و ما سعی میکنیم جمهوری اسلامی را بیشتر مورد انتقاد قرار دهیم. او همچنین از مینا احدی خواست که لیستی از کسانی که در خطر فوری اعدام هستند به آنها ارائه دهد که در مورد آن اقدام کنند.

ملاقات بعدی با سناتور پاولا پیام مسئول کمیسیون حقوق بشر دولت برزیل بود که بعد از

احدی به سوالات خبرنگاران رسانه های این کشور پاسخ داد. مینا احدی در این کنفرانس گفت جمهوری اسلامی رفتنی است، مردم دارند حکومت را می اندازند و بر ضرورت حمایت مردم برزیل از مبارزات مردم ایران و ضرورت قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی تاکید کرد.

ملاقات های مینا احدی بعنوان یکی از رهبران اپوزیسیون جمهوری اسلامی با مقامات دولت برزیل از طرف اپوزیسیون این دولت و فعالین مدافع حقوق انسان در این کشور بسیار مهم و مثبت ارزیابی شده است.

در روزهای اخیر همراه با سفر مینا احدی به برزیل رسانه های مختلف بار دیگر جنایات جمهوری اسلامی را منعکس کرده و از جمله تعدادی از آنها عکس هایی از سکینه محمدی آشتیانی که به سنگسار محکوم شده است را منعکس کردند.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۹
۶ مه ۲۰۱۱

کارگران رانیز اعلام کرد.

کارفرما با این اقدام خواست که کارگران را ناچار به شکستن اعتصاب کند. اما کارگران در مقابل این زورگویی به اعتصاب خود ادامه دادند. نهایتاً کارفرما با وعده اینکه هم دستمزدهای معوقه را می پردازد و هم افزایش دستمزد را هم می پذیرد، قول داد اگر کارگران اعتصاب را تمام کنند حکم اخراج ۱۲ نفر مذکور را هم لغو میکند. کارگران با گرفتن این وعده فعلاً به سر کار برگشته اند و اعلام کردند اگر وعده کارفرما عملی نشود اعتصاب را از سر خواهند گرفت.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰
۹ مه ۲۰۱۱

مصاحبه با محمد آسگران... از صفحه ۲

ناسیونالیست بود. جبهه چپ و آزادیخواهی نتوانست رهبری این اعتراضات را به عهده بگیرد. با گذشت زمان جریانات اسلامی و ناسیونالیست عملاً و رسماً به احزاب طرف مذاکره و تصمیم گیری در میدان آزادی تبدیل شدند. چپها و آزادیخواهان به حاشیه رانده شدند. در نتیجه هم بخشی از مردم معترض دلسرد شدند و هم حکومت به بهانه نقش جریانات اسلامی و وابسته بودن آنها به القاعده تبلیغات وسیعی را سازمان داد.

این يك تجربه مهم بود که مردم و جبهه چپ و آزادیخواهی باید از آن درس بگیرند. از يك طرف باید تاکتیکها و سیاست حاکمان را متوجه بود و در مقابل آن سنگر بندی کرد. از طرف دیگر وجود و نقش مخرب جریانات اسلامی و ناسیونالیست در این اعتراضات را باید دید که باعث به عقب رانده شدن اعتراضات بر حق مردم کردستان عراق شد. در هر حال طولی نخواهد کشید که این اعتراضات يك بار دیگر سر بر خواهد آورد آیا چپ و آزادیخواهی این بار میتواند نقش تاریخی و رادیکال خود را ایفا کند یا نه، باید دید.

اما با این وجود پاسخ به این سوال از جانب چپ و مردم آزادیخواه ارادی و ایدئولوژیک نیست. باید مردم را سازمان داد. فعالین و جریانات چپ باید تلاش کنند مردم را در محلهای کار و زیست خود سازمان بدهند. نمایندگان مردم در محل کار، در دانشگاه و محلات، در ادارات و مراکز تجمع و هر گوشه ای از جامعه باید کسانی باشند مطالبات بر حق آنها را نمایندگی کنند. اگر مردم سازمانیافته نتوانند با قدرت خود در مقابل حکومت قرار بگیرند هر آن احتمال خطر سازش و معامله و سرکوب میتواند اعتراض بر حق مردم را تهدید کند.

کارگران نتن پارسیان باز هم دست به اعتصاب زدند کارگران شرکت پرهون طرح بعد از هفت روز اعتصاب به سر کار برگشتند



کارگران اعلام کردند نه تنها اجازه نمیدهند همکارانشان اخراج شوند بلکه تا پرداخت دستمزدهای معوقه اعتصاب را ادامه میدهند.

کارگران این شرکت درخواست فوری سه ماه دستمزدهای معوقه خود را دارند اما با تهدید به اخراج جواب میگیرند.

کارگران شرکت پرهون طرح بعد از هفت روز اعتصاب به سر کار برگشتند

کارگران این شرکت پیمانکاری که زیر مجموعه شرکت اصلی مینا است بعد از هفت روز اعتصاب روز دوشنبه به سر کار برگشتند. در جریان اعتصاب ابتدا کارفرما نه تنها جوابی به مطالبات کارگران نداد، حکم اخراج ۱۲ نفر از

در مقابل شرکت اصلی مینا که نتن پارسیان پیمانکار این شرکت است تجمع کردند. کارفرمای مینا سعی کرد باز هم با وعده و وعید کارگران اعتصابی را به سر کار بفرستد اما کارگران اعلام کردند که این بار اعتمادی به وعده های آنها ندارند و تا پرداخت دستمزدهای معوقه اعتصاب را ادامه میدهند.

در مقابل این عزم کارگران کارفرما اعلام کرد که اگر اعتصاب را ادامه بدهند سر گروه همه گروههای کاری را اخراج خواهد کرد.

کارگران نتن پارسیان سندیج روز ۱۹ اردیبهشت برای دومین بار اعتصاب کردند. کارگران این شرکت پیمانکار هفته قبل در اعتراض به پرداختن دستمزدهای معوقه خود اعتصاب کردند. کارفرما قول داد تا روز دوشنبه به خواسته های آنها رسیدگی کند و با این وعده کارگران به سر کار برگشتند.

روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت وعده کارفرما عملی نشد و کارگران باز هم دست به اعتصاب زدند و حدود ۸۰ نفر از کارگران این شرکت

به جهان و مبارزین راه آزادی پیام مادر فرزند کمانگر بمناسبت سالگرد اعدام فرزند



من افتخار میکنم که فرزند من برادر و فرزند همه آزادیخواهان جهان شد. این پیام مرا به سراسر جهان برسانید. می خواهم این پیام به هر جا و مکانی که انسانها در آنجا زندگی می کنند رسانده شود. می خواهم این پیام مرا به زبانهای مختلف به گوش مردم دنیا برسانید تا به زبان خودشان پیام مرا بخوانند. اگر اجازه داشته باشم از طرف همه خواهران و مادران داغدار و همه کسانی که جگرگوشه هایشان در این ۳۰ سال کشته شده بگویم که: ما مادران داغدار نیستیم بلکه ما مادران افتخاریم. اگر از هر مادری که عزیزش را کشته اند پرسید پسرش یا دخترش

را چرا کشته اند؟ یا چرا جگر گوشه ات در زندان است؟ پاسخش این است: تنها گناه فرزند من دفاع از انسانیت بود. اما امروزه در جایی که ما زندگی می کنیم دفاع از انسان جرم محسوب می شود. عزیزان از این پس شماها باید خیلی کارها را برای من بکنید عزیزم تو باید بیشتر از همه فعالیت بکنی. بدان که فرزند نمرده است. من نمی توانم و امکان این را ندارم تلفن را بردارم و به همه مادرانی که در دنیا مثل من هستند بگویم که عزیزان ما همه با هم یکی هستیم، فرزندان ما همه برای یک هدف کشته یا زندانی شده اند، برای آزادی فقط برای آزادی انسان. پس ما همه با هم یکی هستیم. اگر که ما اسم همدیگر را نمیدانیم اما درد همدیگر را خوب میدانیم. می خواهم موضوع مهمی

را یادآور شوم. فرزند فقط بخاطر کردستان کشته نشد، فقط بخاطر ایران کشته نشد، بخاطر انسان فقیری کشته شد که در گوشه دنیا محتاج نان است که ایران هم گوشه ای از این دنیاست. پیام مرا به همه تلویزیونها، به همه رادیوها، به همه روزنامه ها به همه گروه ها و سازمانها، به سازمانهای حقوق بشر، به همه زنان و مردان آزادیخواه و انساندوست دنیا برسانید. به آنها بگوید که من از همه آنها تمنا دارم عزیزان زیادی در زندانها هستند و منتظر همه شما وجدانهای آگاه. به هر شیوه ممکن برای آزادی این زندانیان کمک کنید. فقط آزادی و صلح است که انسانها را بهم نزدیک می کند.

فرزاد همیشه زنده خواهد بود زیرا...

از صفحه ۱



آن عشق می ورزید و بدان عقیده داشت. با شهامت از عقیده و مرامش که راه رهایی مردم علیه فقر و فلاکت را در آن میدید دفاع میکرد و با افتخار جانفش را در این راه فدا کرد. من به او و به این راهی که او در پیش گرفت افتخار میکنم.

او در میان مردمی پرورش یافت که حاکمان نه تنها می خواهند که این مردم نفس نکشند، بلکه از آب و خاکش هم تنفر دارند. چون در این منطقه صدیق کمانگر سر برآورد و فرزند راه او را ادامه داد. اکنون صدیق ها و فرزادهای زیادی پرورش یافته اند. هزاران انسان مثل فرزند که راه صدیق کمانگر را سرمشق خود قرار داده اند اکنون راه صدیق و فرزند را ادامه میدهند.

فرزاد دست را بسوی همه انسانهایی دراز کرد که مثل او فکر می کنند. دست به دست انسانهایی داد که ارزش انسان را مثل انسان برسمیت می شناسند و گفت انسان مثل انسان باید زندگی کند.

من از همه انسانهای آزادیخواه چه در ایران و چه در خارج کشور خواش میکنم به فکر انسانهایی باشند که هم اکنون در زندانها بسر میبرند. آنها هم مثل فرزند بخاطر عقیده و مرامشان به زندان برده شده اند. آنها را شکنجه میکنند و خلیپهایشان را کشته و باز هم می خواهند بکشند. همه ما باید به فکر خانواده های این عزیزان باشیم.

آنها فرزند را از جنازه او هم می ترسند. می دانند اگر محل دفن او را اعلام کنند مرکز و میعادگاه جوانان و انسانهای می شود که مثل او فکر میکنند.

در پایان من از همه آزادیخواهان بخصوص فرهنگیان می خواهم که روز اعدام فرزند کمانگر را روز معلم اعلام کنند. اینجا يك بار دیگر می خواهم به همه آنهايي که به جرم افکار و عقایدشان در زندان هستند درود بفرستم و با همه خانواده های این عزیزان احساس همدردی می کنم. روی همه شماها را از دور و نزدیک میبوسم.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

این پیام روز ۱۹ اردیبهشت (۹ مه ۲۰۱۱) در مراسم بزرگداشت فرزند در شهر فرانکفورت آلمان توسط محمد امین کمانگر قرائت شد. ***

خانواده های دستگیر شدگان اول مه سنندج باز هم هم تجمع کردند و اولتیماتوم دادند

کارگری پیام های حمایتی از این حرکت اعتراضی و برای آزادی کارگرانی زندانی سرازیر شود. باید تشکلهای مختلف کارگری، اعتراض خانواده های دستگیر شدگان را وسیعاً همراهی کنند و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه از زندان شوند. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰

شدگان، آنها در ادامه مراسم باشکوه اول مه شهر سنندج، زندانبانان جمهوری اسلامی را بشدت وحشت زده کرده بود. رژیم امروز نیروی انتظامی بسیاری را در محل تجمع خانواده ها مستقر کرده بود. سرانجام خانواده ها طی نامه ای اولتیماتوم دادند که اگر عزیزان ما را تا روز شنبه از زندان آزاد نکنید، روز یکشنبه به همراه تشکل های کارگری، و مردم شهر سنندج دوباره اینجا جمع خواهیم شد.

ما نیز اعلام میکنیم که اگر دستگیر شدگان اول مه تا روز شنبه آزاد نشوند، مردم شهر سنندج باید وسیعاً به فراخوان خانواده ها پاسخ دهند. باید از تمام شهرها و مراکز

غالب حسینی، یدالله قطبی، خالد حسینی و وفا قادری از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری دستگیر شدگان اول مه شهر سنندج هستند. اکنون خانواده های این کارگران، فعالین کارگری در این شهر و مردم شهر سنندج پیگیری وضع این عزیزان و آزادی آنها از زندانند. امروز ۱۵ اردیبهشت جمعیتی بیشتر از روز گذشته مرکب از خانواده های کارگران دستگیر شده، فعالین کارگری و مردم شهر در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج جمع شدند و بر آزادی دستگیر شدگان اول مه تاکید کردند. فشار اعتراض برای آزادی بازداشت





محسن ابراهیمی

جنگ لمپنها!

دربار اسلامی در جریان است. امام جمعه تهران از قولوزیر کابینه احمدی نژاد هشدار داده است که "اگر حضرت آقا حکم طلاق همسر آقای رئیس جمهور را بدهد، همسر رئیس جمهور برایش حرام می‌شود و رئیس جمهور نمی‌تواند به او دست بزند!" این وجه فقهی لمپنیسم اسلامی است. استاد حوزه علمیه قم در مراسم عزاداری فاطمه‌زهررا در حضور ولی فقیه و رئیس جمهور منتصبش، "نافرمانی ابلیس پس از شش هزارسال عبادت" را به رخ رئیس‌جمهور کشیده است و سرنوشت "خواجه" را نشان داده است و...! این شاخ و شانه کشیدن لمپنهای طرفدار خامنه ای به لمپنهای طرفدار احمدی نژاد است. و همپنهای یعنی اینکه، جنگ درونی

در خیرها آمده است که در تهران، طرفداران خامنه ای و احمدی نژاد، با قمه و چاقو و زنجیر و چماق به جان هم افتاده اند. صاف و ساده یعنی جنگ لمپنهای اسلامی با سرعت از بیت خامنه ای و دفتر احمدی نژاد به خیابانها کشیده شده است. همین لت و پار کردن خیابانی، مدتی است که هر شکلی دیگر، در گوشه و کنار

مافیای اسلامی حاکم در ایران از خیابان سر در آورده است.

این داستان سر دراز دارد اگر جمهوری اسلامی همان عمارتی که این لمپنها را در خود جمع کرده است، بسرعت از صحنه جامعه ایران‌جارو نشود. جنگ لمپنها برای مردم ایران فقط از این جنبه اهمیت دارد که چقدر اینچاقوکشی متقابل، فضا را برای جنبش سرنگونی انقلابی فراهم میکند؛ همان جنبشی که در سال ۸۸ به خیابان آمد تا بساط همه دار و دسته هایی را که امروز به جان هم افتاده‌اند یکجا جمع کند.

به جان هم افتادن باندهای متعلق به جناح حاکمدر حکومت اسلامی، فقط یک چیز را نشان میدهد: خود تخریبی حکومت اسلامی دارد ابعاد تازه ای میگیرد.

قبل از اینکه دفتر کشمکش جناح اصلاح طلب حکومت - یا همان جناح مغلوب و مطرود - با جناح حاکم بسته شود؛ دفتر تازه ای باز شده است که در آن لیست مغلوبینو مطرودین تازه ای ردیف میشود. این یعنی اینکه حلقه حاکم در جمهوری اسلامی دارد کوچکتر و کوچکتر میشود. یعنی اینکه جمهوری اسلامی به عمارتی پر از موریانه تبدیل شده است که دارند از درون ستونهای این عمارت را میخورند.

به خیابان کشیده شدن کشمکش لمپنها - آنهم در میان دار و دسته ای که همین دیروز، با همین قمه ها و چماقها یکپارچه و متحد به جانمردم افتاده بودند - ممکن است ظلیعه ورود کشمکش جناحها به فاز خونین نظامی تمامعیار باشد. میگویم ممکن است به این دلیل که همه

سراسری و متحد را تنها راه نجات از شرایط نکبت بار کنونی می دانند و کارگران و معلمان و پرستاران و همه مردم آزادیخواه را به پیوستن به این حرکت اعتراضی فرا خوانده اند.

سازمان جوانان کمونیست ضمن حمایت قاطع از حرکت سراسری دانشجویان در روز ۲۵ اردیبهشت، دانشجویان و استادان دانشگاه هائی که تاکنون به این حرکت نپیوسته اند را فرامیخواند با تمام قوا به این حرکت پیوندند و اعتصاب و اعتراض سراسری و

۲۵ اردیبهشت روز اعتراض و اعتصاب سراسری در دانشگاهها

مشروعیتی برای نظام اسلامی قائلند و نه به اصلاح سیستم آموزشی در این نظام باور دارند. دانشجویان در بیانیه های خود جمهوری اسلامی را مسئول همه مشقات و فقر و فلاکت و مصیبت های جامعه می دانند و در شرایطی که حکومت هرروز بحرانی تر و شکننده تر میشود و راه خروجی برای حل بحران عمیق خود ندارد، اعتراض و اعتصاب

دانشگاه ها، به حضور کمیته های انضباطی و حراست و بسیج دانشجویی، به جداسازی جنسیتی و تحقیر هر روزه دانشجویان و همچنین به فقر و فلاکتی که حکومت به مردم تحمیل کرده است اعتراض دارند و خواهان رفع مشکلات رفاهی و آموزشی خود میباشند. دانشجویان همانطور که در بیانیه های خود اشاره کرده اند نه

دانشجویان دانشگاه های امیرکبیر، تهران، همدان، قزوین و آزاد مشهد و سمنان و تربیت معلم کرج و قزوین دانشجویان بیست دانشگاه دیگر تاکنون برای روز ۲۵ اردیبهشت فراخوان داده اند. دانشجویان در بیانیه های خود به فضای سرکوب و خفقان، به حضور نیروهای سرکوب و اوباش و اراذل اسلامی در

جناحهای حاکم در عین حال بخوبیمیدانند که آن طرفتر، توده وسیعی از مردم منتظر فرصتی هستند که قدرتمند تر از سال ۸۸ به میدان بیایند و بساط همه این باندها و کل لمپنیسم اسلامی را یکجا جارو کنند. ترس از همین نیرو و همین اتفاق میتواند اینها را هنوز در کنار هم نگه دارد.

جنبش سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، از اینکهباندهای جانی به جان هم افتاده اند حتما خوشحال است. اما مهمتر این است که اینجنبش، در فرصتی که لانهای اسلامی حاکم به جان هم افتاده اند بیشترین استفاده را بکند و کل این بساط لمپنیسم اسلامی را یکجا جارو کند!

تورتو،

۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰

مه ۲۰۱۱

یکپارچه ای را در کلیه دانشگاههای کشور سازمان دهند. سازمان جوانان کلیه جوانان و مردم آزادیخواه را به حمایت از این حرکت دانشجویان فرامیخواند. باید با تمام قوا بیخاست و پرچم سرنگونی حکومت جهل و جنایت اسلامی را برافراشته تر ساخت.

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری سازمان جوانان کمونیست ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۰ مه ۲۰۱۱

ایران را با رانت و وامهای هزاران میلیاردی به جیب زده و فی الحال يك شرایط جهنمی را برای میلیونها خانواده کارگری و مردم ایران رقم زده اند.

زنده باد اول ماه مه زنده باد همبستگی و مبارزه متحدانه سراسری کارگران ایران اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

www.etehadvh.com

k.ekhraji@gmail.com

ادامه تجمع اعتراضی خانواده‌های کارگران بازداشتی در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج

کردند و در آنجا به این خانواده‌ها اعلام شد سه نفر از این کارگران آقایان غالب حسینی، وفا قادری و خالد حسینی مبلغ ۵۰ میلیون تومان و آقای یدالله قطبی مبلغ سی میلیون تومان برای آزادی خود می باید وثیقه بگذارند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران خانواده‌های کارگران بازداشتی نسبت به تعیین چنین وثیقه سنگینی اعتراض کرده و اعلام

سنندج آغاز شد. بدنبال این تجمع اعتراضی مامورین این ستاد با حضور در میان تجمع کنندگان اعلام کردند باید برای اطلاع از چگونگی وضعیت کارگران بازداشتی و مسایل آنان به شعبه چهار بازپرسی دادگاه انقلاب مراجعه کنید.

بنا بر این گزارش بدنبال اعلام این موضوع از سوی مامورین ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج به خانواده‌ها، آنان به این دادگاه مراجعه

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ خانواده‌های کارگران زندانی سنندج به همراه تعداد دیگری از خانواده‌های کارگری در ادامه اعتراضات خود به بازداشت وفا قادری، خالد حسینی، یدالله قطبی و غالب حسینی در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج دست به تجمع زدند.

این تجمع از ساعت ده صبح در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. می‌خواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه‌ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر می‌چاله شده ایم تحمیل کند. می‌خواهند ما را از مصرف زیادی برخوردارند! شرم بر دزدهای میلیاردی که ثروتهایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است.

پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میدانند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدورانشان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!

زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

پیام تسلیت بمناسبت فوت کریم کمانگر

خبر فوت ناگهانی کریم کمانگر معروف به (کریم زبیده) را دریافت کردم.

بدینوسیله مراتب تأسف و تأثر عمیق خود را به خانواده محترم و داغدیده کمانگر و عموم مردم کامیاران ابراز میدارم و برای بازماندگان و بستگان ایشان آرزوی صبر و بردباری دارم و امیدوارم در این غم بزرگ مرا در کنار خود بدانند.

محمد امین کمانگر

۵ مه ۲۰۱۱



هات بود ۸

فرکانس: ۱۱۶۰۴

اف ای سی: ۵/۶

شبه KBC

پلاریزاسیون: افقی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

۹ و نیم تا
۱۲ و نیم شب
به وقت ایران

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!